

تنقیح الاجاث ابن کمونه (3)

دکتر علینقی منزوی، بیروت

من مطبوعات جامعه کالیفرنیا 119 ص . + 12 ص
[خاطرات وحید، سال ششم، 1348، صص 1079-1083]

عنی بنشره موسی یرلمان

در دنبال مقاله‌ی پیشین این جانب که در آن مجله‌ی گرامی منتشر گردیده است، باید عرض کنم: گرچه من از سال 1964م به فکر چاپ این رساله منسوب به ابن کمونه می‌بودم، و به سال 1966م رسماً چاپ آن را به دانشگاه یسوعیه بیروت پیشنهاد نمودم، لیکن هیچگاه وجدانم با انتساب این کتاب به این مؤلف موافق نبود و دنبال ادله‌ی تأیید یارد می‌گشتم تا بالاخره خوشبختانه آقای موشه پرلمان، آن را در دانشگاه کالیفرنیا با یک پیش‌گفتار کوتاه به انگلیسی چاپ نمود، و گناه انتساب این وصله‌ی ناجور با دیگر مؤلفات ابن کمونه را به این مرد، از دوش من برداشت.

در مقدمه باید به گویم که اولاً، من صد درصد منکر چنین نسبتی نیستم، و همانگونه که در مقاله‌ی پیش‌گفته‌ام، گمان دارم، ابن کمونه را در تألیف آن دستی بوده و راهنمایی کرده و شاید برخی بخش‌هایش نیز به املاى او و نوشته‌ی یک یهودی باشد؛ ثانیاً، نمی‌خواهم برخلاف نظر چاپ‌کنندگان محترم رساله‌ی تنقیح، افتخار یهود بودن او را از ایشان سلب نمایم و او را مسلمان جلوه دهم. چون من ابن کمونه را یک فیلسوف می‌شمرم و نه یک یهودی یا مسلمان.

پس از آن دو مقدمه، اگر قصد از تأکید انتساب این کتاب به ابن کمونه، یهودی جلوه دادن او باشد، این انتساب خود مشکوک است. همان‌گونه که ما قرن‌ها کوشیدیم او را مسلمان و حتی شیعی جلوه دهیم، اکنون عده‌ای در صدد برآمده‌اند که وی را با هزار و یک دلیل یهودی جلوه دهند، و این هر دو نادرست است. اینک من ترجمه‌ی بخشی از مقدمه‌ای که آقای موشه پرلمان برای این کتاب نوشته‌اند، در اختیار خوانندگان محترم می‌نهم، و سپس نظریات خود را در دنباله‌ی آن بیان می‌نمایم. آقای پرلمان پس از مقدمه‌ی بسیار مختصر در باره‌ی دوره‌ی مغول به معرفی نسخه‌هایی که در چاپ مورد استفاده‌ی ایشان قرار گرفته است پرداخته و می‌گوید:

در سده‌ی پیشین آقای موریتس اشتاین شنایدر متوجه شد که تنقیح الاجاث یک سند مهم جدلی بین مذاهب در قرون وسطی در زبان عربی است، و سودمندترین خلاصه در این رشته‌ی ادبیات می‌باشد.¹

دیوید 1چ بانث در یک بررسی دقیق از کتاب می‌گوید: «
نوشته‌های ابن کمونه سندیت استثنایی و مهمی در استنتاجات عقلی قرون وسطی داشته است.»²

صرف نظر از شواهدی که این متتبعان آورده‌اند، بخشی از فصل راجع به یهود او نیز به وسیله‌ی لوهیرشفیلد چاپ شده است.³ نسخه‌ی حاضر (مقصود چاپ پرلمان است) بر پایه‌ی پنج نسخه نهاده شده که دو نسخه‌ی آن به خط عبری می‌باشد، و نویسنده‌ی نسخه‌ی دیگر مصدر مسیحی دارد.

کهن‌ترین این پنج نسخه از آن مجلس در تهران است⁴ که در یک مجموعه همراه رساله‌ی سموئیل مغربی *افحام الیهود*⁵ می‌باشد که یک قرن پیشتر از آن نوشته شده است. و سپس یک نامه‌ی فلسفی است از ابن کمونه به پسرش.

این مجموعه بسیار فرسوده است، و تنقیح در صد و ده صفحه‌ی 19 سطری از آن است که به خط فارسی (نستعلیق) است. از پایان رساله‌ی سموئیل برمی‌آید که این مجموعه در نزدیک شیراز در 685 ق 1286م نوشته شده است.

یک جلد از مقالات ابن کمونه با خط‌های گوناگون بر صفحه‌های باریک در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی استانبول هست که نزدیکی قابل ملاحظه‌ای با نسخه‌ی تهران دارد، و در نقطه‌گذاری آن اهمال گردیده، و به تاریخ 696 ق 1297م در مدرسه‌ی نوریه‌ی موصل تهیه شده است.⁶

نسخه‌ی کتابخانه‌ی انگلیکان رم به خط خوش در 755 ق 1354م نوشته شده است. هم نویسنده و هم حاشیه‌نگار مسیحی آن در ماردین می‌زیسته‌اند.⁷

نسخه‌ی عبری نویس برلین، که به سال 1652 سلوکی/1341 م نوشته شده، نیز از ماردین بدان جا آمده است. این نسخه با نسخه-ی منحصر بفرد مقاله‌ی مؤلف در قرن میان ربانیان و قرائیان یهود که تاریخ 679 ق 280م دارد، در یک جلد است.⁸ دومین نسخه‌ی عبری نویس در کتابخانه‌ی بادلیان آکسفورد است، و یک تملک 1664م 1353 ق بر آن هست. چند برگ افتاده دارد، و با خط‌های گوناگون نوشته شده است.⁹

قابل توجه است که در نسخه‌های عبری نویس این کتاب نیز فرمول ستایش پیغمبر اسلام در دیباچه به صورت معمولی آمده است. شاید که مؤلف آن را برای مسلمان نمایی نوشته باشد، و معقول‌تر آن است که نویسندگان مسلمان در آن دست برده باشند. و این هنگامی امکان دارد که بگوییم نسخه‌های عبری نویس از روی نسخه‌ی عربی نویس نوشته شده‌اند. و ممکن است مقصود از «رسوله المصطفی» مفهوم عام باشد که یهودیان آن را به موسی و مسلمانان به محمد بازگردانند.

دی. 1. چ. بانث حدس می‌زند که مؤلف با به کار بردن حمد و ثنای مسلمانی خواسته راه را برای انتشار آن در میان خوانندگان باز کند، و هم این روش لایق یک فیلسوف می‌باشد که اگر همه‌ی ادیان را در حقانیت همانند نداند، لااقل آن‌ها را در مشیت خداوند و به عنایت الهی بودن یکسان می‌داند.

این بود بخشی از مقدمه‌ی آقای پرلمان بر تنقیح *الاجاث* که برای تکمیل اطلاعات راجع به این کتاب، که در مقاله‌ی پیشین تقدیم شده بود، ترجمه نمودم.

اینکه نظر این جانب: در حقیقت آقای پرلمان با چاپ این رساله خدمتی به سزا به تاریخ فلسفه نموده اند و به ویژه که تألیف این رساله در شرایط به خصوصی فاش از سقوط بغداد به دست مغولها و انقراض حکومت عباسی انجام شده، و تألیف آن به کسی نسبت داده شده که عمری به مسلمانی شهرت داشته و چندین کتاب طبق اصول مسلمانی تألیف کرده است. ولیکن از ذکر چند نکته نباید چشم پوشید:

1. این که ایشان نسخه‌ی مجلس را کهن‌ترین نسخه دانسته اند نادرست می‌باشد. نسخه‌ی ش 593 مجلس در قرن یازدهم نوشته شده است. در پایان یکی از رسایل آن آمده « و قدم السويدیه فی شهر صفر سنه ستین و الف من الهجره » و تاریخ 685 ق که در پایان رساله‌ی *افحام* در مجموعه دیده می‌شود، تاریخ نسخه‌ی محمود بن مسعود شیرازی (و شاید قطب شیرازی م 710 ق) است که نسخه‌ی مجلس از روی آن - یا مستقیماً یا با واسطه - استنتاج گردیده است.
 2. این که مرقوم داشته اند "سومین رساله‌ی مجموعه‌ی مجلس نامه-ای فلسفی از ابن کمونه است به پسرش"، این نیز نادرست است و از ابن کمونه نیست، بلکه از شهرستانی است.
 3. بحثی که در باره‌ی حمدوثنای دیباچه دارند کاملاً درست است و همین موضوع یکی از اشکالات نسبت این کتاب را به ابن کمونه بوجود می‌آورد. چون وی در تمام کتابهای بزرگ و معروف خویش *الکاشف، اللمعه، المطالب المهمه* درود بر محمد و آل او را صراحت می‌آورد و نام خویش را نیز همه جا تصریح کرده است و اگر این رساله از او باشد، تنها جایی است که به این شیوه دست زده، و شاید چون آن را با دلگرمی بیشتر و اتکای قوی‌تر بر یهود نگاشته است چنین رفتار کرده و خواسته باشد که هر دو گروه را راضی نماید.
 4. خرده‌ی دیگری که می‌توان بر کار ایشان گرفت، تصحیح زیادی است. رساله‌ی تنقیح دارای عبارات و جملاتی است که با قواعد دستوری زبان عرب درست نمی‌آید، و این حتماً از خود مؤلف است که کتاب را به لهجه‌ی عربی متداول میان یهود و خاصه در سوریه و فلسطین نگاشته است؛ مثلاً او در همه جا «ه» ضمیر سوم شخص را که به صورت «ی» تلفظ می‌شود همان گونه نوشته است چنان که «رونقه» را «رونقی» و «مثله» را «مثلی» نوشته است. اما آقای مصحح همه‌ی اینها را به صورت عربی فصیح برگردانیده اند، و شاید خواسته اند لهجه‌ی کتاب را به اسلوب دیگر مؤلفات ابن کمونه نزدیک سازند.
- سیستم فکری ابن کمونه در کتب بزرگ او و موارد اختلاف و توافق آن با مندرجات این کتاب در مقالات بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

- 2- In *Monatsschrift fuer Geschichte und Wissenschaft des Judentums*, vol 69 (1905), p. p. 295 – 311
- 3- Sa'd B. Mansur Ibn Kammuna und sein Polemischer Schrift (Berlin : 1893).
- 4- فهرست یوسف اعتصامی، ج1، ص184؛ ج2، ص593. و نیز در مجله‌ی المکتبه بغداد، ج3، ش2، سال 1964، ص28 یاد شده که نسخه‌ی رونویس از این نسخه اکنون در تملک دکتر حسین علی محفوظ در کاظمین می‌باشد.
- 5- Proceedings of American academy for Jewish research, VOL. XXXII Ed. M. Perlmann (New york : 1964).
- 6- نشانی این نسخه را پرفسور 1چ. ریتز به این جانب (موشه پرلمان) داد. و شماره‌ی 1341 فاتح دارد.
- 7-[ign. Guidi] *Catalogo dei codici orientali della Biblioteca Angelica di Roma* (Florence : 1878) , PP. 64 – 66.
- 8- M. Steinschneider Verzeichniss der hebraeischen Handschriften der K. Bibliothek Zu Berlin (Berlin : 1897), I, 74 - 77 . The library of A. S. Yahuda had a copy made from this MS.
- 9- A. Neubauer, catalogue of the Hebrew munscripsts in the Bodleian Library (oxford : 1886) ,Col . 423 F, No. 1281.